

جوانگرایی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با تکیه بر مبانی قرآنی و روایی

علی بدری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۸

چکیده:

نوشتار حاضر به دنبال تبیین ضرورت جوانگرایی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، با تکیه بر آیات و روایات می‌باشد و سوال اصلی آن عبارت است از این که مبانی قرآنی و روایی جوانگرایی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری در ارکان مسئولین حکومت جمهوری اسلامی چه می‌باشد؟ نتیجه حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد مهمترین علل ضرورت جوانگرایی، با توجه به بیانات مقام معظم رهبری که جوانگرایی در نظر ایشان امری مسلم تلقی شده است؛ جلوگیری از انقطاع نسل انقلاب، الگوگیری از سیره ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، تداوم خلاقیت و نوگرایی، پیشرفت کشور، مسئولیت در قبال نسل جوان، دست‌یابی به آینده مطلوب، خستگی ناپذیری جوان، فطرت پاک و آگاهی و بصیرت جوان خلاصه کرد. همچنین مبانی قرآنی و روایی ضرورت جوانگرایی در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته است که مولفه‌های فوق را تأیید می‌کند. در مقابل، در صورت عدم توجه به جوانگرایی از سوی مسئولان، ممکن است شاهد انقطاع نسل انقلاب باشیم در حالی که در اندیشه‌ی رهبری تأکید ویژه‌ای به حفظ و تداوم نسل انقلاب شده است و این مهم در سخنرانی‌ها و دیدارهای ایشان متبلور است. به نظر می‌رسد هر یک از مولفه‌های مذکور می‌تواند به عنوان علتی مستقل برای ضرورت جوانگرایی محسوب گردد. تبیین ضرورت جوانگرایی، می‌تواند کمکی در ایجاد انگیزه مسئولان مربوطه در به کارگیری نیروی جوان داشته باشند. روش این پژوهش وصفی - تحلیلی همراه با مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد.

واژگان اصلی:

بیانیه گام دوم انقلاب، جوان، روایات، قرآن، جوانگرایی، مقام معظم رهبری

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به اینکه رهبر معظم انقلاب، بیانیه گام دوم انقلاب را عمدتاً خطاب به جوانان القاء فرموده و مخاطب اصلی را جوانان انقلاب، قرار داده‌اند؛ لازم است تا علت ضرورت جوانگرایی در بیانیه‌ی ایشان موسوم به بیانیه گام دوم انقلاب مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. از سویی با توجه به اینکه رهبر معظم انقلاب، خود اسلام‌شناسی کامل و وارسته می‌باشد بعید نیست که دیدگاه جوانگرایی ایشان ریشه در منابع دینی و از جمله قرآن کریم و منابع روایی داشته باشد. از طرفی تأکید فراوان ایشان بر عنصر جوانگرایی، نمی‌تواند بی‌دلیل باشد. لذا لازم می‌نماید تا ابعاد ضرورت این عنصر روشن گردد تا امید و انگیزه‌ی بیشتری در جوانان انقلابی متبلور شده و خود را برای مسئولیت‌های گام دوم انقلاب آماده‌تر نمایند.

رهبر معظم انقلاب در بسیاری از سخنرانی‌ها و پیام‌های خود به عنصر جوانگرایی اهمیت بسزایی داده و می‌دهند و در بسیاری از عرصه‌ها جوانان را آینده‌ساز انقلاب و کشور معرفی کرده‌اند. از سویی جوانان انقلاب در هر واقعه‌ای اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی سراپا گوش، در تلاش برای تحقق مطالبات رهبر معظم انقلاب بوده‌اند. ایشان نیز در دیدارهای مختلف با جوانان انقلاب هم از آنان قدر دانی کرده و هم به امید آنان افزوده‌اند.

در جهانی که سردمداران قدرت‌ها در صدد تحکیم و تقویت قدرت‌های خود با نیروهای با تجربه بوده و کمتر به جوانان فرصت کار داده‌اند؛ رهبر معظم انقلاب عرصه را برای جوانان انقلاب فراهم دیده و از آنان می‌خواهد تا در مسئولیت‌هایی که تخصص آن را دارند حضور فعال داشته باشند. البته باید افزود که جوانگرایی به معنای طرد کردن نیروهای پیش‌کسوت و قدیمی‌تر نیست که خدمات فراوانی به انقلاب کرده‌اند بلکه به نوعی عرصه‌گشایی برای کار جوانان می‌باشد و البته پیش‌کسوتان عرصه‌ی کشور داری نیز باید تجارب خود را در اختیار این جوانان قرار داده و جوانان نیز باید آن را به مثابه نقشه‌ی کلی راه پذیرا باشند.

در تاریخ اسلام نیز شاهد آن هستیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم کارهای بزرگی مانند فرماندهی لشکر را به دست جوانانی چون علی بن ابی طالب علیه السلام و اسامه می‌سپارد. و گویا این دیدگاه رهبر معظم ریشه در سیره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نیز داشته باشد.

در این نوشتار قصد داریم تا مبانی قرآنی و روایی ضرورت جوانگرایی در مسئولیت‌های کشوری و انقلابی را از منظر مقام معظم رهبری تحلیل نماییم.

نگاهی به مفاهیم

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

بیانیه گام دوم، بیانیه است که مقام معظم رهبری در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ نگارش فرمودند که یک ترسیم کلی از گذشته، حال و آینده انقلاب می‌باشد و در واقع یک تصویرسازی کلی راجع به مسائل اصلی انقلاب است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان، ۹۸/۰۳/۰۱). می‌توان گفت پس از توصیه‌های مکرر رهبری در سال‌های اخیر پیرامون لزوم تبیین معارف انقلاب اسلامی برای جوانان و ارائه‌ی تصویری صحیح از گذشته، حال و آینده انقلاب به آن‌ها در برابر تصویرسازی دروغین دشمنان، ایشان در چهل سالگی انقلاب، خود در مقام تبیین برآمده و اقدام به نگارش بیانیه کردند؛ تا با ارائه فکر و استدلال‌های روشن، کارآمدی و برنامه‌ی آینده انقلاب، علاوه بر پیشگیری از به وجود آمدن اختلال در دستگاه محاسباتی نسل آینده مدیران کشور، جوانان مؤمن و انقلابی را به شانه دادن زیر بار مسؤولیت‌های بزرگ نقش آفرینی در گام دوم انقلاب (چهل سال آینده) برای تحقق اهداف مبارک آن فراخوانند (راجی و خاتمی، گام تمدن ساز، ۱۳۹۸، ۱۳). ایشان در این بیانیه به تبیین عظمت حادثه انقلاب، برکات آن (ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران، پیشرانی در عرصه‌ی علم و فناوری، به اوج رسیدن مشارکت مردمی، ارتقای بینش سیاسی در میان آحاد مردم، سنگین کردن کفه‌ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور، افزایش معنویت و اخلاق در جامعه و ایستادگی روز افزون در برابر مستکبران) چالش‌ها و ظرفیت‌ها (نقش نیروی جوان متعهد و ظرفیت‌های طبیعی و انسانی کشور) توصیه‌ها (در مورد علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت، مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت، سیاست خارجی و مرزبندی با دشمن و سبک زندگی) پرداخته‌اند (راجی و خاتمی، گام تمدن ساز، ۱۳۹۸، فهرست).

نیروی جوان

در مورد نیروی جوان و اینکه اصولاً جوانی که مد نظر رهبری است چه ویژگی‌هایی دارد؛ باید گفت قطعاً نظر ایشان بر جوانان خام و بی‌تجربه و بی‌بهره از دانش مرتبط با کار خود نیست، و به فرموده‌ی ایشان: «نه هر جوانی [بلکه] جوانی که احساس تعهد کند؛ احساس مسؤولیت کند.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان، ۹۸/۰۳/۰۱). ایشان برای جوان، سه خصوصیت را بارز و لازم می‌داند که در صورت تقویت این سه خصوصیت یک جوان می‌تواند راه اسلامی را به راحتی پیدا کند که عبارت‌اند از: انرژی، امید و ابتکار (بیانات در دیدار جمعی از

جوانان، ۷۷/۰۲/۰۷). در جای دیگر می‌فرماید:

«جوان باید مؤمن، انقلابی، پاکدامن، دلبسته به کشور، مستعد برای خدمت به مردم تربیت بشود؛ و آلا اگر جوانی باشد که احساس مسئولیت نکند، هیچ به سرنوشت کشور اصلاً اعتنائی نداشته باشد، با معلومات بالا هم از دانشگاه بیرون بیاید، چه فایده‌ای برای کشور خواهد داشت؟» (بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۹۸/۰۳/۰۸).

همچنین می‌فرماید:

«هرچه این جوان ما بیشتر متعبد باشد، بیشتر متدین باشد، بیشتر به یاد خدا باشد، بیشتر به خدا احساس نیاز کند و دست نیاز به سوی خدا بیشتر دراز بکند، عمل او، رفتار او، فکر او، از آسیب کمتری برخوردار خواهد بود و جامعه از او بهره‌ی بیشتری خواهد برد.» (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۸۷/۰۶/۰۸).

از مجموعه بیانات ایشان می‌توان ملاک جوان متعهد را به دست آورد. از سویی جوانگرایی که مد نظر مقام معظم رهبری است؛ به معنای پیرزدایی نیست، به معنای این نیست که آدم‌های مجرب، کارکننده، راه بلد، کاربلد از دور خارج بشوند. بلکه ترکیبی از این دو نسل مد نظر ایشان است (بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۹۸/۱۱/۲۹). خصوصیت جوان‌گرایی باید همراه با استفاده‌ی از مجربان، کارکنندگان و قدیمی‌ها باشد (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۹۴/۰۶/۲۵).

اهمیت جوانی در آیات قرآن

به نظر می‌رسد در قرآن کریم آیاتی مبنی بر اینکه صراحتاً اهمیت جوانی را برساند نیامده است اما بعضی از آیات با کنایه این مطلب را می‌رساند که برخی از آن‌ها در زبان اهل بیت علیهم السلام تفسیر شده‌اند که در ذیل بحث از روایات به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

در سوره روم آمده است: (اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ) «خدا همان کسی است که شما را آفرید در حالی که ضعیف بودید، سپس بعد از این ضعف و ناتوانی قدرت بخشید و باز بعد از قوت، ضعف و پیری قرار داد، او هر چه بخواهد می‌آفریند و اوست عالم و قادر.» (روم، ۵۴)

در این آیه شریفه مقصود از قوت، ایام جوانی (طوسی، التبیان، بی تا، ۸، ۲۶۴) می‌باشد چرا که

انسان قبل از جوانی در دوران کودکی و نوجوانی نسبتاً ضعیف‌تر است و در دوران پیری نیز قدرت جسمی و روحی او تحلیل می‌رود. پس دوره‌ی جوانی از آن رو که دوره‌ی نیرومندی است اهمیت به سزایی دارد. قرآن کریم به دوره حساس نوجوانی و جوانی عمر انسان اهمیت ویژه‌ای داده‌است. قرآن کریم با طرح الگوهای از جوانان شایسته، همانند جوانان اصحاب کهف (کهف، ۱۰ و ۱۳)، و برخی از پیامبران جوان (یوسف، ۵۶) و یاران جانشان (کهف، ۶۰ و ۶۲) و یادآوری برخی از داستان‌ها و نکات اخلاقی و تربیتی، سیمای جوان شایسته را ترسیم می‌کند.

یکی از ویژگی‌هایی که قرآن کریم با کنایه برای جوان بر می‌شمارد حق‌پذیری است در مورد اصحاب کهف می‌گوید: (نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى): ما داستان آنان را به حق برای تو بازگو می‌کنیم، آن‌ها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایت‌شان افزودیم». (کهف، ۱۳) هر چند همه‌ی اصحاب کهف جوان نبودند و شاید تعبیر فتنه در این آیه بیشتر ناظر به جوانمردی و حق‌گرایی آن‌ها باشد اما به هر حال جوانان زودتر به حقایق دل می‌بندند و در عمل نیز بی‌باک و جسورند و اگر چیزی را حق بینند، در تثبیت آن مقاومت می‌کنند.

در مورد حضرت اسماعیل آمده است: (فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا آبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ) «هنگامی که حضرت ابراهیم با او (حضرت اسماعیل) به مقام سعی رسید، گفت: پسر من! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟ گفت: هر چه دستور داری اجرا کن؛ به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت» (صافات، ۱۰۲). از این آیه چنین بر می‌آید که حضرت اسماعیل (به عنوان یک جوان) که می‌دانست خواب پدرش - که وحی است - حق می‌باشد و در مقابل آن سر تعظیم فرود می‌آورد و آن را می‌پذیرد حتی اگر به قیمت جان او تمام شود.

از دیگر ویژگی‌های مهم یک جوان از نظر قرآن، داشتن شجاعت و شهامت است. این دو از صفات کمال انسان است که بیشتر در جوانان نمود دارد. از جمله این جوانان می‌توان حضرت داود و حضرت ابراهیم سلام الله علیه را نام برد. حضرت ابراهیم با شهامت و شجاعت کامل در مقابل بت پرستان ایستاد و بت‌ها را شکست. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: (قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ) «گفتند: شنیدیم جوانی از (مخالفت با) بت‌ها سخن می‌گوید که به او ابراهیم گفته می‌شود» (انبیاء، ۶۰).

حضرت داود سلام الله علیه نیز با شجاعت و شهامت و تکیه بر ایمان به خدا با ظالمی به نام جالوت که بسیار قوی بود به مبارزه پرداخت و او را شکست داد. (فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ) «پس آن‌ها را به توفیق خداوند شکست دادند، و داود جالوت را کشت، و خدا او را سلطنت و فرمانروایی و حکمت (علوم شریعت و معارف عقلی) داد و از آنچه می‌خواست به او آموخت.» (بقره، ۲۵۱). از این دو آیه چنین بر می‌آید که یک جوان، باید در مقابل دشمنان (خدا) شجاعت لازم را داشته باشد تا بتواند یک سرزمین یا مردم را مدیریت کند. در واقع مثال‌هایی که خداوند در قرآن زده است برای این است که عبرت و پندی برای سائرین گردد. (عنکبوت، ۴۳؛ حشر، ۲۱)

اهمیت جوانی در روایات

در روایات امامیه تاکید فراوانی بر اهمیت جوانی و استفاده هر چه بهتر از آن شده است به گونه‌ای که یکی از سوالات روز قیامت در مورد جوانی انسان است که آن را در چه راهی صرف کرده است؟ در روایتی می‌خوانیم: «وَأَعْلَمُ أَنَّكَ سَتَسْأَلُ غَدًا إِذَا وَقَفْتَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ أَرْبَعِ شَبَابِكَ فِيمَا أَبْلَيْتَهُ...» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ۲، ۱۳۵). در این روایت امام باقر علیه السلام در توصیه‌های اخلاقی خود می‌فرماید: بدان که فردا (روز قیامت) که در مقابل خداوند قرارگیری از تو در مورد چهار چیز سوال می‌شود که یکی از آن‌ها جوانی است. و شاید مهمترین آن‌ها همین جوانی باشد چرا که مهمترین بخش عمر و بهترین روزهایی است که انسان می‌تواند کار کرده و کسب درآمد کند و آن را هزینه کند حال که از جوانی سوال می‌شود باید انسان از مال و کسب و خرج خود نیز پاسخ‌گو باشد و شاید به همین علت ابتدا جوانی را ذکر فرمود.

در روایت دیگری آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سلم می‌فرماید: «... يَا عَلِيُّ بَادِرْ بِأَرْبَعٍ قَبْلَ أَرْبَعِ شَبَابِكَ قَبْلَ هَرَمِكَ... ای علی چهار چیز را قبل از چهار چیز دریاب؛ [اول] جوانیت را قبل از رسیدن پیری [دریاب.].» (ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۳ق، ۴، ۳۵۷) این روایت نیز جوانی را آنقدر مهم می‌داند که قبل از رسیدن ایام کهولت و پیری دستور به استفاده‌ی مناسب از آن دارد. در تفسیر آیه (لَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا) (قصص، ۷۷) در روایتی آمده است: «قَالَ لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَ قُوَّتَكَ وَ فَرَاغَكَ وَ شَبَابَكَ وَ نَشَاطَكَ وَ غِنَاكَ وَ أَنْ تَطْلُبَ بِهِ الْآخِرَةَ. یعنی سلامتی، قوت و روزی، راحتی (آسایش)، جوانی، نشاط و بی‌نیازی (مالی) را فراموش نکن بلکه به آن بپرداز تا به

وسیله‌ی آن آخرت را به دست آوری.» (ابن اشعث، الجعفریات، بی تا، ۱۷۶) می‌توان گفت جوانی بهره‌ای از دنیا است که فراموشی آن موجب حسرت ابدی می‌گردد.

در مورد علم آموزی در دوران جوانی آمده است: «مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ فِي شَبَابِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ النَّقْشِ فِي الْحِجْرِ وَمَنْ تَعَلَّمَهُ وَهُوَ كَبِيرٌ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الْكِتَابِ عَلَى وَجْهِ الْمَاءِ: هر کس در جوانی علم بیاموزد مانند حکاکی به روی سنگ است (که به راحتی از بین نمی‌رود) و هر کس در پیری علم بیاموزد مانند نوشته‌ای به روی آب است (که یا اصلاً نوشته نمی‌شود یا سریع از بین می‌رود).» (ابن حیون، دعائم الاسلام، ۱۳۸۵ق، ۱، ۸۲) علم آموزی که بهترین اعمال انسانی می‌باشد شایسته‌ی ایام جوانی است. جوان در معرض فراگیری است تا چه به او داده بشود. گفت: من که لوح ساده‌ام هر نقش را آماده‌ام. همه‌ی نقش‌ها را می‌شود بر روی این لوح ساده کشید (بیانات در اولین جلسه درس خارج فقه در سال تحصیلی جدید، ۹۵/۰۶/۱۶) و لذا اگر کسی امکان آن برایش فراهم باشد اما استتکاف ورزد ممکن است روز قیامت مورد مواخذه قرار گیرد.

قدرت و نیروی جوانی است که می‌تواند بر مشکلات زندگی فائق و راه‌های سخت و ناهموار را به آسانی بپیماید. عمران و آبادی‌ها مدیون کار و تلاش نیروی جوان است. پایه‌های اقتصاد کشورها بر نیروی فعالانه‌ی جوانان استوار است. دفاع از مرزها و حفظ استقلال و امنیت مملکت‌ها بر عهده نسل جوان است (فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ۱۳۸۴، ۳).

در روایت دیگری در مورد اهمیت جوانی آمده است: «شَبَابٌ لَوْ يَعْرِفُ فَضْلَهُمَا إِلَّا مَنْ فَقَدَهُمَا الشَّبَابُ وَالْعَافِيَةُ: دو چیز است که قدر آن را نمی‌داند جز آنکه از دستشان بدهد و آن دو جوانی و عافیت می‌باشند.» (آمدی، غرر الحکم، ۱۴۱۰ق، ۴۱۴). در این روایت امام علی علیه السلام، نعمت جوانی را در ردیف بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی، یعنی صحت و سلامتی آورده است و به اندازه‌ای آن را مجهول‌القدر دانسته است که می‌فرماید تنها در موقع فقدان جوانی می‌توان به ارزش آن پی برد (فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ۱۳۸۴، ۷).

محورهای جوان‌گرایی در بیانیه گام دوم

ورود انقلاب اسلامی به دهه‌ی پنجم عمر پر برکت خود، اقتضائاتی را به همراه دارد که بدون توجه به آن نمی‌توان در حرکت در مسیر تحقق آرمان‌های انقلاب موفق بود. شاید مهمترین اقتضای آن «عظمت نقش نیروی جوان متعهد» در پیشبرد گام‌های انقلاب اسلامی و قرار گرفتن آنان به عنوان «محور تحولات دهه‌های آتی پیش روی کشور» است (راجی و خاتمی، گام تمدن

ساز، ۱۳۹۸، ۱۶۳).

در بیانیه گام دوم شاهد آن هستیم که اکثر خطابات و روی سخن مقام معظم رهبری با جوانان می باشد به گونه ای که ایشان، ۲۶ بار لفظ جوان و مشتقات آن را به کار برده و جامعه‌ی جوانان را مخاطب قرار می دهد که نشان از اهمیت والای ایشان به امر جوانان و جوانگرایی می باشد. محورهای جوانگرایی در این بیانیه از این قرار است:

۱- تاکید بر حضور نسل جوان مؤمن، دانا و پُرانگیزه در میادین و عرصه‌های مختلف انقلاب.
 ۲- تاکید بر اینکه آینده انقلاب، متعلق به نسل جوان است که نیازمند جهاد بزرگی برای ساخت ایران و حراست از آن تا ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور امام عصر عجل الله فرجه.
 ۳- توقع از نسل جوان جهت احقاق و برقراری عدالت با حضور در عرصه‌های مختلف.
 ۴- تسلیم ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر از خصوصیات رونق گرفته در میان نسل جوان قلمداد شده است.

۵- لزوم قدم گذاشتن در راستای پیشبرد گام دوم انقلاب.

۶- اهتمام به مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان و فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، بین المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت.
 ۷- لزوم قبول مسئولیت با بهره‌گیری از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته و به کارگیری آن‌ها با نگاه و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی جهت ایجاد الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی.

۸- تاکید بر همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی.

۹- تاکید بر جمعیت جوان زیر ۴۰ سال (بر مبنای الزام جمعیت شناختی) که به عنوان ثروت کشور تلقی شده که با هیچ اندوخته‌ی مادی قابل مقایسه نیست.

۱۰- خطاب به جوانان در قالب سر فصل‌هایی اساسی که عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی.

۱۱- نیاز مبرم به یک مجموعه‌ی جوان، دانا، مؤمن، مسلط بر دانسته‌های اقتصادی به عنوان راه برون رفت از مشکلات اقتصادی و رسیدن به مقاصد گام دوم انقلاب تلقی شده است.

۱۲- به ثمر رسیدن امیدهای انقلاب در صورت سپرده شدن زمام اداره‌ی بخش‌های گوناگون کشور

به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان.

۱۳- چشم امید به جوانان در جهت مقابله جهادی، همه‌جانبه و هوشمندانه با تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران که زبان‌های بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت ایران زده است.

مبانی قرآنی و روایی جوان‌گرایی

در این بخش به برخی از علت‌های اصرار معظم رهبری بر مقوله جوان‌گرایی همراه با واکاوی مبانی قرآنی و روایی آن می‌پردازیم.

۱- جلو‌گیری از انقطاع نسل انقلاب

مقام معظم رهبری عدم به کارگیری نیروی جوان را مساوی با انقطاع نسل در انقلاب و نیروهای انقلابی می‌بیند به گونه‌ای که اگر نیروی جوان در مکتب انقلاب رشد نکرده و به او کار و مسئولیت سپرده نشود در آینده ممکن است نسل انقلاب از بین برود در این راستا در بیانات خود در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران می‌فرماید: «اولاً با جوان‌گرایی که خب الحمدلله جوان‌گرایی هست، [یعنی] مدت‌ها است که در سپاه شروع شده و توجه به نسل جوان وجود دارد، و تربیت دینی و انقلابی نسل‌های دوّم و سوّم. نگذارید انقطاع نسلی به وجود بیاید؛ همان روحیه‌ای که شهدای بزرگ و نام‌آور سپاه در میدان‌های نبرد از خودشان نشان دادند در دوران دفاع مقدّس و قبل از دفاع مقدّس و تعدادی بعد از دوران دفاع مقدّس، باید سریان و جریان داشته باشد در نسل‌های متوالی و پی‌درپی‌ای که وارد سپاه می‌شود.» (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب، ۹۸/۰۷/۱۰).

انقطاع نسل در یک جامعه عیب بزرگی به حساب می‌آید و از این رو دشمنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌سلم، ایشان را متهم به متقطع‌النسل بودن می‌کردند (واحدی، اسباب‌النزول، ۱۴۱۱ق، ۴۸۹؛ طبری، جامع‌البیان، ۱۴۱۲ق، ۳، ۲۱۳؛ سیوطی، الدر‌المشور، ۱۴۰۴ق، ۶، ۴۰۴؛ طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰ق، ۲۰، ۳۷۲)، و اینگونه سعی در سرزنش وی داشتند. در روایات نیز مذموم بودن انقطاع نسل مسلم گرفته شده است (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ۳، ۲۲۸؛ ابن‌بابویه، من‌لا‌یحضره‌الفقیه، ۱۴۱۳ق، ۳، ۵۶۵؛ همان مولف، کمال‌الدین، ۱۳۹۵ق، ۲، ۴۰۱). انقطاع نسل گاهی در مورد یک انسان اتفاق می‌افتد و گاهی در مورد یک ایدئولوژی رخ می‌دهد. نگرانی مقام معظم رهبری از انقطاع نسل انقلاب به علت انقطاع نسل ایدئولوژی انقلاب است. اگر این انقطاع نسل رخ دهد یک ایدئولوژی عظیم از بین خواهد رفت که ساخت دوباره آن اگر ناممکن نباشد بسیار دشوار است. از این رو اگر جوان‌گرایی در مسولیت‌ها

و مدیریت‌ها غلبه داشته باشد جایی برای نگرانی انقطاع نسل انقلاب نخواهد بود. به نظر می‌رسد مقام معظم رهبری جوان‌گرایی را از ضرورت‌های تداوم انقلاب می‌داند و عدم آن را مساوی با از بین رفتن انقلاب تلقی می‌کند. هر نسلی، وقتی از جوانی پا می‌گذارد به میانسالی، در واقع این امانت را تحویل می‌دهد به نسل جوان بعد از خودش و این سلسله تمام نشدنی است (بیانات در دیدار بسیجیان، ۹۵/۰۹/۰۳). ایشان در مورد اهمیت تداوم نسل انقلاب می‌فرماید:

«این سلسله‌ی جوان‌ها باید همواره در گردش باشد تا مبادا با انقطاع نسل آنان، نسل انقلاب نیز پایان پذیرد. تحولات بزرگی در جامعه رخ می‌دهد، که نمونه‌ی بارزش انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی است. این تحول را کی به وجود می‌آورد؟ یک نسلی به وجود می‌آورد؛ که البته معلول شرائطی است که برای آن نسل پیش آمده، اما برای نسل قبل و نسل‌های قبل پیش نیامده بود؛ - مثل انقلاب اسلامی - یکی از دو حال پیش خواهد آمد: یا این است که وقتی این تحول به وسیله‌ی این نسل به وجود آمد، نسل‌های بعدی این را پی می‌گیرند، دنبال می‌کنند، تکمیل می‌کنند، ادامه می‌دهند. در این صورت، این یک جریان ماندگاری خواهد شد؛ (وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمُكِّتُ فِي الْأَرْضِ) (رعد، ۱۷) یعنی جایگزین می‌شود، مستقر می‌شود. یا این است که نه، نسل‌های بعد - حالا نسل‌های بعد که می‌گوئیم، نه لزوماً نسل سنی؛ یعنی کسانی که از آن گروه اول تحویل می‌گیرند، که ممکن است خودشان هم جزو همان نسل سنی آن گروه اول باشند - تحت تأثیر عوامل گوناگون، کار را دنبال نمی‌کنند؛ دچار رکود می‌شوند، دچار انحراف می‌شوند، دچار زاویه می‌شوند. در این صورت، آن تحول فوایدش را برای مردم از دست می‌دهد و خسارت‌هایی که بالاخره در یک تحول پیش می‌آید، برای مردم می‌ماند و جبران هم نمی‌شود (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۹۰/۰۵/۱۹).

ایشان با تمسک به آیه هفدهم سوره‌ی اعراف، باقی ماندن نسل انقلاب را به آبی روان تشبیه می‌کند که روی زمین باقی مانده و در جریان است، که در مقابل با توجه به آیه، انقطاع نسل مصداقی از (أَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً) (رعد، ۱۷) خواهد بود. به این معنا که در صورت انقطاع نسل، نیروی انقلابی مانند کف‌های روی آب بوده و از بین خواهد رفت.

در قرآن کریم حضرت زکریا علیه السلام از خداوند طلب نسلی مبارک را دارد و عرضه می‌دارد: (رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً) (آل عمران، ۳۸) ذریه، به نسل و طیبه، به مبارک و دارای برکت تفسیر شده است (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲ق، ۳، ۱۶۸). به نظر می‌رسد حضرت زکریا داشتن نسل پر

برکت را یک ارزش تلقی کرده است که اینگونه از خداوند آن را طلب می‌کند. حال اگر انقلاب اسلامی به یک پدر تشبیه شود، جوانان انقلابی، نسل مبارک آن خواهند بود که رهبر انقلاب نیز با تاکید بر مقوله‌ی جوان‌گرایی سعی در تداوم این نسل دارد.

۲- سیره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

پیامبر اکرم در یکی از حساسترین لحظات عمر خود، مسئولیت بزرگی را به یک جوان هجده ساله داد. در جنگ‌ها، خود پیامبر اکرم فرماندهی را عهده‌دار می‌شد؛ اما آن وقت که در آخرین هفته‌های زندگی خود احساس کرد از این عالم خواهد رفت و لشکرکشی به سرزمین امپراتوری روم به‌وسیله‌ی خود او امکان ندارد - چون کار بسیار بزرگ و دشواری بود؛ لازم بود نیرویی برای این کار برگزیده شود که هیچ مانعی نتواند جلو آن را بگیرد - این مسئولیت را به یک جوان هجده ساله داد. پیامبر می‌توانست یک نفر از اصحاب پنجاه ساله، شصت ساله و دارای سابقه‌ی جنگ و جبهه را [در آن منصب] بگذارد؛ اما یک جوان هجده ساله را گذاشت و او «اسامه بن زید» بود. پیامبر از ایمان و از سابقه‌ی فرزند شهید بودن او هم استفاده کرد. آن نقطه‌ای که اسامه را فرستاد، همان نقطه‌ای بود که پدر اسامه بن زید - یعنی زید بن حارثه - در دو سال قبل از آن در آن نقطه به شهادت رسیده بود. پیامبر فرماندهی سپاهی بزرگ و گران را به آن جوان هجده ساله داد که همه‌ی اصحاب بزرگ و پیرمرد و سرداران سابقه‌دار پیامبر در آن سپاه عضو بودند. پیامبر به او گفت تا آن محلی که پدرت در آن‌جا شهید شد، می‌روی - یعنی در «موته» که محلی در امپراتوری روم آن روز و در کشور شام امروز بود - و آن‌جا را اردوگاه می‌کنی. بعد دستورات جنگی را به او داد. از نظر پیامبر، نیروی جوان این‌قدر حائز اهمیت است (بیانات در دیدار با جوانان در مصلا‌ی بزرگ تهران، ۱/۰۲/۷۹).

انقلاب اسلامی که آموزه‌ها و ایدئولوژی خود را مدیون پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت ایشان می‌داند؛ باید در واگذاری امور به دست مسئولان، سیره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را الگوی خود قرار داده و مسئولیت‌های بزرگ را به دست جوانان بسپارد. البته این مطلب به این معنا نیست که تا کنون اقتدا به سیره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وجود نداشته است؛ بلکه در اوایل انقلاب اسلامی همواره نیروی جوان پیشران عرصه‌های مختلف بوده‌اند؛ اما این ضرورت در روزگار کنونی با توجه به رو به پیری رفتن نیروهای انقلابی، بیشتر نمود پیدا کرده و اقتدا به سیره‌ی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بیش از پیش نیازمند اهمیت دادن می‌باشد.

در فتح مکه، پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم یک جوان نوزده ساله (عتاب بن أسید) را به عنوان حاکم مکه قرار

دادند. پیغمبر مکه را که فتح کردند، لازم بود حاکم یا فرمانداری آنجا بگذارند. این همه پیرمردها و بزرگان بودند، اما پیغمبر یک جوان نوزده ساله را منصوب کرد. بعضی‌ها اشکال کردند که آقا این سنش کم است، چرا او را گذاشتید؟ طبق این روایت، پیغمبر فرمود: «لا یحتج محتج منکم فی مخالفته بصغر سنّه» (عسکری، تفسیر منسوب به امام عسکری، ۱۴۰۹ق، ۵۵۶؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ۱۲۲؛ حکیمی و دیگران، الحیاء، ۱۳۸۰ش، ۲، ۶۸۶). کسانی که با انتصاب این شخص برای فرمانداری مکه مخالفند، استدلالشان را این قرار ندهند که چون سنش کم است، جوان است؛ این استدلال، استدلال درستی نیست. یعنی اگر استدلال دیگری دارید، خیلی خوب، بیائید بگوئید؛ اما کم بودن سن، جوان بودن، استدلال درستی نیست. «فلیس الاکبر هو الافضل بل الافضل هو الاکبر»؛ آن کسی که بزرگتر است، لزوماً برتر نیست؛ بلکه آن کسی که برتر است، در واقع بزرگتر است (بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۹۰/۰۷/۲۴).

اعطای منصب علمداری و فرماندهی به علی بن ابی طالب علیه السلام (ذهبی، تاریخ الاسلام، ۱۴۰۹ق، ۳، ۶۲۵)، مصعب بن عمیر (واقدی، الطبقات الکبری، ۱۴۱۸ق، ۳، ۸۶)، زید بن ثابت (ابن عبد البر، الاستیعاب، ۱۴۱۲ق، ۲، ۵۳۷)، جعفر بن ابی طالب و زید بن حارثه (طبرسی، اعلام الوری، ۱۳۷۶ش، ۱، ۲۱۲) توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سلم همه حاکی از اهتمام ایشان به جوان‌گرایی دارد. به نظر می‌رسد سیره‌ی مقام معظم رهبری در استفاده از نیروی جوان ریشه در همین سیره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله سلم باشد. و این کلام منافاتی با این مطلب ندارد که در دنیای سکولار غرب نیز جوان‌گرایی مطلوب است؛ در حالی که آن‌ها این مسئله از سیره‌ی پیامبر نگرفته‌اند؛ چرا که می‌توان گفت الگوی مقام معظم رهبری به عنوان رهبر یک امت مسلمان، مسلماً به سیره‌ی پیامبر نزدیک‌تر خواهد بود تا اینکه خطمشی خود را از سایر منابع و مصادر اخذ کرده باشد هر چند خود ایشان صریحاً به این مطلب اشاره نکرده‌اند اما استناد به همین روایت، خود گویای اقتدای و الگوگیری ایشان از سیره نبوی صلی الله علیه و آله سلم است.

۳- تداوم خلاقیت و نوگرایی

معمولاً جوانان دارای خلاقیت و نوآوری می‌باشند که می‌توان از این‌ها عنصر به عنوان یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد دوران جوانی یاد کرد. چرا که جوان به دنبال فرصتی برای دیده شدن است و این اندیشه باعث شکوفایی خلاقیت و نوآوری او می‌شود. حال اگر از نیروی جوان در مناصب انقلابی و مسئولیت‌های کشور استفاده شود خلاقیت در امور کشور داری تداوم خواهد

داشت و حرکت انقلاب به جهت گیری های محدودی منحصر نمی شود بلکه همواره با جهت گیری های خلاقانه به سمت جلو حرکت خواهد کرد. یکی از علل تاکید بر جوان گرایی در بیانات مقام معظم رهبری تداوم خلاقیت در عرصه های مختلف انقلاب می باشد. (بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه، ۹۸/۰۷/۱۰). جوان مرکز نوآوری، خلاقیت و ابتکار است (بیانات در حرم رضوی در آغاز سال، ۹۱/۰۱/۰۱). اگر مسئولیتی به او سپرده شود قطعا در کار خود نوآوری خواهد داشت که می تواند مشکلات زیادی را از این طریق حل نماید. نسل جوان به طور طبیعی، دارای ایده هایی نو برای اداره جامعه است؛ چرا که از نظر گاهی متفاوت به مسائل می نگرد و دنیای ذهنی او متفاوت از پیشینیان است این ویژگی می تواند مولد فرصت های مناسبی برای تحول و تکاپو در هر جامعه ای باشد. محصول چنین شخصیتی بی شک، تولید افکار جدید و شنیدن سخن نو خواهد بود و این همان چیزی است که مدیریت کشور در دهه ی پنجم انقلاب اسلامی به آن نیازمند است (راجی و خاتمی، گام تمدن ساز، ۱۳۹۸ش، ۱۶۹).

شاید همین ویژگی جوان باعث شده است تا پیامبر هفت سال سوم زندگی خود را عصر مشورت و وزارت جوانان دانسته، به آنان شخصیت داده و در صحنه های مختلف دیدگاه های آنان را جویا شود (مرتضوی، جوان گرایی در مدیریت اسلامی از منظر آیات و روایات، ۱۳۹۷ش، فصلنامه مدیریت در اسلام، سال سیزدهم، شماره ۳۶).

در حکمت های منسوب به امام علی علیه السلام آمده است که می فرماید: «إذا احتجت إلى المشورة في أمر قد طرأ عليك فاستبد بهدأه الشبان فإنهم أحد أذهانا وأسرع حذسا: هر گاه نیازمند مشورت در پیشامدی شدی؛ ابتدا از جوانان شروع کن چرا که آنان تیز هوش تر بوده و در حدس زدن سریع تر [از پیران] هستند» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۴۰۴ق، ۲۰، ۳۳۷). در نظام فکری امام علی علیه السلام جوان گرایی از آن روی که جوانان ذهن تیز و حدس قوی دارند مهم برشمرده شده است. بعید نیست که نوآوری و خلاقیت را نیز از این روایت برداشت کنیم چرا که ذهن تیز جوان مستلزم خلاقیت و نوآوری است به گونه ای که با ذهن خلاق خود همواره به اندیشه های نو و جدید تمایل دارد و تنها در صدد میدان یافتن برای به ثمر نشاندن آن اندیشه ها می باشد.

۴- پیشرفت کشور

جوانان همواره پیشگام تحولات مهم سیاسی - اجتماعی و حتی اقتصادی بوده اند. جوانان همانگونه که در خیزش اسلامی ملت ایران و تداوم استقرار جمهوری اسلامی نقش آفرین بوده اند،

امروز نیز پیشگام و پیش‌ران حرکت انقلاب به سمت اهداف و آرمان‌ها به حساب می‌آیند. این پیش‌رانی می‌تواند تمام سرمایه‌های کشور را در جهت پیشرفت کشور به خدمت آورد. به همین دلیل رهبر معظم انقلاب تاکید دارند که «اندیشه‌ی پیران و فکر و تجربه‌ی آن‌ها و قتی به کار می‌آید که حرکت جوانان‌هی جوانان وجود داشته باشد. پیش‌ران حرکت انقلاب جوان‌ها هستند» (راجی و خاتمی، گام تمدن‌ساز، ۱۳۹۸، ۱۳؛ بیانات در دیدار بسیجیان، ۹۵/۰۹/۰۳). جوان پیش‌ران است، موتور حرکت است (راجی و خاتمی، گام تمدن‌ساز، ۱۳۹۸، ۱۳؛ بیانات در دیدار بسیجیان، ۹۵/۰۹/۰۳). نسل جوان در هر جامعه، موتور حرکت تحولات اجتماعی و تحولات سیاسی است (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۹۲/۰۹/۱۹). تنها نسلی با رغبت تمام قادر است کشور را به سوی پیشرفت سوق دهد نسل جوان است. در توصیه‌ای از مقام معظم رهبری به جوانان چنین آمده است: «مسئولیت عظیم شما نسل جوان روشن‌فکر تحصیلکرده‌ی این کشور این است که کشور را به آن پایه-ای که لازم است، برسانید.» (بیانات در دانشگاه تربیت مدرس، ۷۷/۰۶/۱۲). جوان در هر جامعه و کشوری، محور حرکت است. اگر حرکت انقلابی و قیام سیاسی باشد، جوانان جلوتر از دیگران در صحنه‌اند. اگر حرکت سازندگی یا حرکت فرهنگی باشد، باز جوانان جلوتر از دیگرانند و دست آن‌ها کارآمدتر از دست دیگران است. حتی در حرکت انببای الهی هم - از جمله حرکت صدر اسلام - محور حرکت و مرکز تلاش و تحرک، جوانان بودند (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۷۰/۰۸/۱۵). قشر جوانی که در نظر مقام معظم رهبری اینگونه پیش‌ران حرکت‌های بزرگ بوده و هستند یقیناً در پیشرفت کشور نیز موثر خواهند بود.

اگر ما به جوان اعتماد کنیم - آن جوانی که شایسته دانستیم به او مسئولیت بدیم و صلاحیتش را داشت؛ نه هر جوانی و هر مسئولیتی - از غیر جوان، هم بهتر و مسئولانه‌تر کار را انجام می‌دهد؛ هم سریع‌تر پیش می‌برد، هم کار را تازه‌تر و همراه با ابتکار بیشتری به ما تحویل خواهد داد؛ یعنی روند پیشرفت در کار حفظ می‌شود (بیانات در دیدار جمعی از جوانان، ۷۷/۰۲/۰۷). وقتی جوان مملکت هوشیارانه، با تدبیر، با حلم و با توجه به موقعیت‌ها، حرف بزند و تصمیم بگیرد و عمل کند، کشور گلستان خواهد شد (بیانات در پی حادثه‌ی کوی دانشگاه، ۷۸/۰۴/۲۱).

از مجموع بیانات مقام معظم رهبری چنین بر می‌آید که روی کار آمدن نیروی جوان و به تعبیر دیگر، جوان‌گرایی موجب پیشرفت کشور خواهد شد. در تعالیم قرآن کریم پیشرفت و آبادانی یکی از اموری است که از انسان خواسته شده است و از طلب آبادانی به (وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا) (هود،

۶۱) تعبیر شده است. حال این آبادانی و پیشرفت به نوعی مرهون روی کار آمدن نیروهای تازه نفس و جوان می‌باشد چنانچه در بیانات مقام معظم رهبری به آن اشاره شد.

در تعالیم روایی اهل بیت علیهم‌السلام نیز پیشرفت مفهوم ویژه‌ای دارد تا حدی که اگر کسی دو روزش به صورت مساوی سپری شود مغبون و زیانکار معرفی شده است و نیز هر کس در خود پیشرفت احساس نکند مرگ برای او بهتر از زندگی عنوان شده است (ابن بابویه، امالی، ۱۳۷۶ ش، ۶۶۸). این درحالی است که جوان همواره رو به پیشرفت بوده و ذاتا از پسرفت بیزار است، حال اگر شرایط برای پیشرفت او فراهم باشد قطعاً موجب پیشرفت کشور نیز خواهد شد.

۵- مسئولیت در قبال نسل جوان

در نظر مقام معظم رهبری همه‌ی بخش‌های این انقلاب در مقابل نیروی جوان مسئول بوده و لازم است تا با بهره‌گیری از استعدادها و آن‌ها در مسئولیت‌های مختلف دین خود را به نسل جوان اداء کنند. در بیان این مهم چنین می‌فرمایند:

همه‌ی دستگاه‌های مسئول، چه دولتی و چه غیردولتی، چه صدا و سیما، چه وزارتخانه‌های مربوط به جوانان - آموزش و پرورش و آموزش عالی - چه بخش‌های مربوط به ورزش، چه بخش‌های ویژه‌ی جوانان، چه بسیج، چه روحانیت و چه ارگان‌های تبلیغ و ترویج دین، باید احساس کنند که در مقابل این نسل (جوان)، در مقابل این جمعیت عظیم، در مقابل این همه استعداد و این همه انرژی متراکم مسئولند (بیانات در دیدار با جوانان در مصلاهی بزرگ تهران، ۷۹/۰۲/۰۱).

هر چند در تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام مسئولیت برای همه‌ی انسان‌ها در مقابل دیگران ثابت است (ابن ابی‌جمهور، عوالی اللثالی، ۱۴۰۵ ق، ۱، ۳۶۴) اما این مسئله در مورد امور کشور داری در قبال جوانان بیشتر ارزش و مفهوم پیدا می‌کند چرا که اگر با وجود اینکه جوان‌گرایی ممکن باشد اما موانع آن برطرف نشود بلکه حتی مانع تراشی شود؛ مسئولیت سنگینی گریبان‌گیر مسئولین مربوطه خواهد شد. در هنگامی که خداوند از کوچکترین کار انسان‌ها سوال خواهد کرد (ثقفی، الغارات، ۱۴۱۰ ق، ۱، ۱۴۶) مسئولیت دستگاه‌های مربوطه در مقابل جوان‌گرایی کم‌اهمیت جلوه نمی‌کند. به نظر می‌رسد تاکید مقام معظم رهبری بر مسئول بودن یک‌یک ارکان جمهوری اسلامی در مقابل جوانان، ریشه در تعالیم روایی اهل بیت علیهم‌السلام و خصوصاً روایت نبوی دارد که می‌فرماید: «إِنِّي مَسْئُولٌ وَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ» هم من و هم شما مسئول هستیم و مورد پرسش قرار خواهیم گرفت (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ ق، ۲، ۶۰۶؛ عیاشی، کتاب التفسیر، ۱۳۸۰ ق، ۱، ۴). هر چند این مسئولیت در

ذیل عنوان کتاب و عترت آمده است اما مقید به آن‌ها نمی‌شود و شامل مسئولیت‌های اجتماعی نیز می‌باشد؛ که یکی از آن‌ها مسئولیت در قبال نسل جوان و جوان‌گرایی است.

۶- دست‌یابی به آینده مطلوب

برای اینکه ما بتوانیم به آینده‌های مطلوب برسیم، احتیاج به نسل جوانِ باهمتِ پرانگیزه‌ی مومنِ تلاشگرِ کاردانِ راه بلد، داریم (بیانات در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکلهای مختلف دانشجویی، ۸۵/۰۷/۲۵). جوان، یعنی آینده، جوان خوب برای یک کشور، یعنی آینده‌ی خوب (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان، ۸۲/۰۶/۲۶). این کشور و این ملت و این نظام برای آینده‌ی خود نیاز به این جوانان دارد؛ پس یکی از عناصر اصلی برای عزت هر کشور و تأمین آینده‌ی هر کشور، جوانانی هستند که امروز مشغول تحصیلند؛ هرچه تحصیل این‌ها، کارکرد این‌ها، پرورش فکری و اخلاقی و دینی این‌ها بهتر و بیشتر باشد، آینده‌ی کشور از همه نظر بیشتر تأمین است (بیانات در دیدار پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان، ۷۹/۰۸/۱۱).

با توجه به دیدگاه مقام معظم رهبری در مورد آینده‌سازی جوانان مقوله جوان‌گرایی بس مهم جلوه می‌کند و به همین جهت جوانانی که در رشته‌های مختلف فارق‌التحصیل می‌شوند باید جهت کمک به رسیدن به آینده‌ای مطلوب در عرصه‌های مخلف کشور داری به کار گرفته شوند.

دیدگاه قرآن کریم در مورد آینده بشر، دیدگاه خوش‌بینانه و امیدوارکننده است (امین خندقی، آخر الزمان و آینده‌نگری در اسلام، پایگاه جامع امام‌زادگان و بقاع متبرکه ایران، ۱۳۹۸/۰۱/۲۹، باتصرف). این دیدگاه به خوبی از آیاتی همچون به ارث بردن زمین توسط صالحان (نور، ۵۵؛ انبیاء، ۱۰۵) و مستضعفان (قصص، ۵)، پیروزی نهایی حق بر باطل (أنفال، ۸؛ انبیاء، ۱۸) و جهانی شدن اسلام (توبه، ۳۳؛ صف، ۹) هویدا است. حال در این آینده‌نگری - که عمدتاً به زمان ظهور ولی عصر □ اشاره دارد - قطعاً عنصر جوان در نظر گرفته شده است به نحوی که خداوند حضرت حجت □ در شمایل یک جوان زیر چهل سال قرار خواهد داد (ابن بابویه، کمال‌الدین و تمام النعمة، ۱۳۹۵ق، ۱، ۳۱۶) و نیز یاران ایشان با وصف جوان بودن توصیف شده‌اند (نعمانی، الغیبة، ۱۳۹۷ق، ۳۱۶؛ طوسی، الغیبة، ۱۴۱۴ق، ۴۷۶) که نهایت عنایت را به عنصر جوان می‌رساند. از این رو تعبیر رهبر انقلاب از اینکه آینده کشور به دست جوانان است؛ ممکن است الهام گرفته شده از تعالیم مهدویت عجل‌الله فرجه باشد که آینده‌ی مطلوب را با یاری امام عصر عجل‌الله فرجه - به عنوان کارگزاران حضرت - برای جوانان شیعه ترسیم کرده است.

۷- خستگی ناپذیری

مقام معظم رهبری در خطایی به جوانان می‌فرماید:

یکی از خصوصیات جوان بودن این است که باید خسته نشوید ... در این راه دشوار هم اصلاً خسته نشوید. این را هیچ وقت فراموش نکنید که مشکلات و موانع نباید شما را خسته کند (بیانات در دیدار جمعی از جوانان فعال در عرصه‌ی فرهنگی، ۹۸/۰۶/۰۸). جوان‌های مؤمن و پُرانگیزه کار می‌کنند، از کار کردن خسته نمی‌شوند (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۹۸/۰۲/۲۴).

مسئولیت‌های کشوری چنانچه سنگین می‌نماید؛ تنها با نسل جوان خستگی ناپذیر است که به سرانجام خوش خود خواهد رسید. قرآن کریم به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که بعد از فراغت از یک کار، به کار دیگر مشغول شود و با تعبیر (فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ) (شرح، ۷) این مطلب را یاد آور می‌شود. لازمه‌ی این کار، داشتن روحیه‌ی خستگی ناپذیری می‌باشد. در مورد اوصاف یاران امام زمان عجل الله فرجه چنین آمد است:

«وَإِذَا رَجَلٌ كَانَ قَلْبُهُمْ زَبْرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجَبَالِ لَأَزَالُوها لَا يَقْضِدُونَ بِرَأْيَاتِهِمْ بَلَدَةً إِلَّا خَرَبُوهَا ... وَ يَحْفُونَ بِهٖ يَفُونَہٗ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ وَ يَكْفُونَہٗ مَا يُرِيدُ فِيهِمْ رَجُلٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوِيٌّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ يَبْتَئُونَ قِيَاماً عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَ يُصْبِحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ: [جوان] مردانی هستند که گویا قلب‌هایشان تکه‌های آهن است به گونه‌ای که هیچ شکی در ذات خدا بر آن‌ها عارض نمی‌شود، قوی‌تر از سنگ [و صخره] اند، اگر به کوهی یورش برند آن را از بین خواهند برد، آهنگ سرزمینی [کفر] نکنند مگر آنکه آن را در هم کوبند ... اطراف او [امام] گردآیند و با به [خطر انداختن] جان‌های خود از او در جنگ‌ها محافظت می‌کنند و هر آنچه از آنان بخواهد انجام دهند، [جوان] مردانی که شب را نمی‌خوابند و مانند کندوی زبور غسل صدای نمازشان بلند است، شب را به روی پاهای خود و روز را به روی اسبان می‌گذرانند، عابدان شب و شیران روز هستند» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ۵۲، ۳۰۸).

این ویژگی‌ها علاوه بر آنکه اصل شجاعت و نیروی جسمانی آنان را می‌رساند؛ بر خستگی ناپذیری آنان نیز دلالت دارد. به گونه‌ای که شب و روز در خدمت مولای خود هستند و اوامر او را بدون خستگی به انجام می‌رسانند. به نظر می‌رسد سیمایی که مقام معظم رهبری برای جوان، در جمهوری اسلامی ترسیم می‌کند الگویی نزدیک به یاران امام زمان عجل الله فرجه می‌باشد.

۸- فطرت پاک جوان

جوانان در هر برهه‌ای از تاریخ کشورها و ملت‌ها، می‌توانند یکی از مهمترین مراکز سعادت یک ملت باشند. علت آن هم این است که جوان از طهارت فطری برخوردار است. جوان، پاک و نآلوده است. آلودگی‌هایی که در طول زندگی به سراغ انسان‌ها می‌آید و زنجیرهایی بر دست و پای روح آنان می‌بندد و آنان را از حرکت و عروج و تکامل باز می‌دارد؛ در مورد جوانان یا وجود ندارد و یا بسیار کم است (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانش‌جویان، ۱۰/۰۸/۷۴). فطرت و سرشت الهی که خداوند انسان را بر آن سرشته است و قرآن کریم از آن با عنوان (فَطَرْتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا) (روم، ۳۰) یاد کرده است در جوانان همچنان پاک و دست نخورده است و به هنوز به تمایلات مادی آلوده نشده است. فطرت پاک است که موجب می‌شود، امام علی علیه السلام همواره در نوجوانی و جوانی در خدمت پیامبر حق و دین حق باشد و از راه حق منحرف نگردد این درحالی است که معارضان او فطرت پاک خود را دفن کرده و به فرمان هوای نفس گردن نهاند.

در نظر مقام معظم رهبری، فطرت پاک در مورد جوانان پاک و پیراسته از آلودگی‌ها صادق است. از این رو جوان، با فطرت پاک خود می‌تواند موجبات تعالی یک کشور را فراهم سازد. جوان، نسبت به جاه و مقام دنیایی - برخلاف غیر جوان - چندان حریص نیست و تنها آرزوی او دیدن شدن در عرصه‌های مختلف است لذا بسیار بهتر از میان سالان و کهن سالان می‌تواند در پیشرفت کشور سهم باشد.

جوان با فطرت پاک خود کمتر از دیگران آلوده به زر و زیور دنیا شده و کمتر وابسته به قدرت و مسئولیت می‌گردد؛ بلکه فطرت پاک، او را از آلوده شدن به امور دنیایی حفظ می‌کند و تنها سعی او در راستای تعالی و پیشرفت کشور خواهد بود.

۹- آگاهی و بصیرت جوان

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمِ...». این پرچم را جز اهل بصیرت و صبر و علم کسی نمی‌تواند حمل کند. پرچم کشور داری نیز، فقط توسط جوانان بصیر و آگاه به سر منزل مقصود خواهد رسید چرا که به تعبیر مقام معظم رهبری جوانان کشور بیدار و آگاهند (بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، ۲۴/۱۲/۸۳). بصیرت یعنی اینکه بدانید چه می‌خواهید، تا بدانید چه باید با خودتان داشته باشید، مجموعه‌ی جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند، همه-

ی تیغ‌های دشمن در مقابل آن‌ها کند می‌شود (بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۸۷/۰۷/۱۵). بصیرت که همواره مورد تاکید مقام معظم رهبری است؛ در جوانان انقلابی کشور متبلور بوده و آمادگی آن‌ها را برای قبول مسئولیت بیشتر کرده است. خدای متعال به پیغمبرش در آن دوران دشوار مکه می‌فرماید: ای پیغمبر! بگو من با بصیرت حرکت می‌کنم؛ (قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي) (یوسف، ۱۰۸) خود پیغمبر [نیز] با بصیرت حرکت می‌کند (بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۸۷/۰۷/۱۵). نه تنها خود او بلکه پیروان او نیز با بصیرت هستند. جوان مومن و انقلابی که قطعاً الگوی او پیامبر صلی الله علیه و آله سلم است وقتی با بصیرت و عزمی راسخ قدم در عرصه کشور داری بگذارد قطعاً سرافراز خواهد بود. انسان بصیر در برخی از روایات کسی معرفی شده است که پس از گوش فرا دادن به یک سخن در آن تفکر کرده و عبرت گیرد (حرانی، تحف العقول، ۱۴۰۴ق، ۱۵۵) عنصر بصیرت آنقدر مهم و حیاتی است که در روایات انسان بی‌بصیرت کور واقعی دانسته است، نه انسانی که قوه‌ی بینایی ندارد (بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴ق، ۳، ۹۱۴). در مجموع هر چند تاکید مقام معظم رهبری بر بصیرت همه‌ی افراد جامعه است اما به نظر می‌رسد بصیرت قشر جوان اهمیت بسزایی در پیشرفت و آبادانی کشور دارد و لذا جوان‌گرایی از این بعد نیز اهمیت می‌یابد.

نتیجه

رهبر معظم انقلاب که بر مقوله جوان‌گرایی تاکید فراوانی دارند و اعتماد ایشان در واگذاری امور کشور و مسئولیت‌های مختلف به جوانان و ضرورت جوان‌گرایی در امور کشوری را می‌توان - با توجه با بیانات ایشان در دیدارهای مختلف - در جهات متعددی از جمله جلوگیری از انقطاع نسل انقلاب، الگو پذیری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سلم، تداوم خلاقیت و نوگرایی، پیشرفت کشور، مسئولیت در قبال نسل جوان، دست‌یابی به آینده مطلوب، خستگی ناپذیری، فطرت پاک و آگاهی و بصیرت جوان، خلاصه کرد. بررسی قرآنی و روایی مقوله‌های مذکور نیز صدق مدعای ایشان را تایید می‌کند. نتایج حاصل از بررسی‌ها بدین قرار است:

- در مقوله‌ی جلوگیری از انقطاع نسل قرآن کریم و روایات انقطاع نسل را مقوله‌ی مطلوبی قلمداد نمی‌کنند و جوان‌گرایی نیز عاملی برای جلوگیری از نسل انقلاب و در دید کلان جلوگیری از انقطاع ایدئولوژی انقلاب می‌باشد.

- در سیره‌ی پیامبر □ جوان‌گرایی عنصری با ارزش است به گونه‌ای که خود ایشان در مناصب مختلف از عنصر جوان بهره می‌گرفته‌اند.
- با تکیه بر جوان‌گرایی، نوآوری و خلاقیت در عرصه‌های مختلف تداوم می‌یابد که برخی از روایات، اشاره به نوآوری جوان در مقام مشورت دارد.
- پیشرفت کشور در گرو جوان‌گرایی است و مقوله پیشرفت در برخی از روایات مورد تأکید قرار گرفته است.
- مسئولیت دستگاه‌های مختلف کشور در قبال نسل جوان اقتضا دارد که مقوله جوان‌گرایی مورد اهتمام بیشتر مسئولان قرار گیرد. روایات دال بر مسئولیت‌پذیری این مقوله را تأیید می‌کند.
- دست‌یابی به آینده‌ای مطلوب در گرو جوان‌گرایی است و این مطلب با بهره‌گیری از روایات مهدویت مبنی بر ساخت آینده‌ای ایده‌آل که اکثر کاغزاران آن جوان هستند تأیید می‌گردد.
- خستگی‌ناپذیری جوانان یکی دیگر از علل توجه به جوان‌گرایی است که با برخی آیات قرآن و روایات انطباق دارد.
- فطرت پاک جوان نیز، از آن روی که گرایش کمتری به مادیات در او دیده می‌شود عامل دیگری جهت اهمیت دادن به جوان‌گرایی است که مورد تأیید روایات می‌باشد.
- آگاهی و بصیرت جوان از دیگر عوامل گرایش به جوان‌گرایی است که این عنصر در قرآن کریم و روایات عنصری ارزشمند بر شمرده شده است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی آیت الله خامنه‌ای، www.khamenei.ir
۳. ابن ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین، (۱۴۰۵ق)، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینه، قم، دارسیدالشهداء للنشر.
۴. ابن ابی‌الحدید، عبد الحمید، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی.
۵. ابن‌اشعث، محمد بن محمد، (بی‌تا)، الجعفریات (الأشعثیات) - تهران، چاپ: اول.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۵ق)، کمال‌الدین و تمام النعمه، تهران، الاسلامیه، چاپ دوم.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه - قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ: دوم.

۸. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۳۸۵ق)، دعائم الإسلام - قم، چاپ: دوم.
۹. ابن عبد البر، یوسف، (۱۴۱۲ق)، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، بیروت، دارالجلیل.
۱۰. بحرانی، سید هاشم، (۱۳۷۴ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه بعثه.
۱۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم - قم، چاپ: دوم.
۱۲. تقفی، ابراهیم، (۱۴۱۰ق)، الغارات، قم، دارالکتب الاسلامی.
۱۳. حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین.
۱۴. حکیمی، محمد رضا، حکیمی، محمد، حکیمی، علی، (۱۳۸۰ش)، الحیاء، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر معارف.
۱۵. ذهبی، محمد (۱۴۰۹ق)، تاریخ الاسلام، بیروت، دارالکتب العربی.
۱۶. راجی، سید محمد حسین، خاتمی، سید محمد رضا، (۱۳۹۸ش)، گام تمدن ساز، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، دفتر نشر معارف.
۱۷. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۴ق)، الدر المثور فی تفسیر المأثور، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
۱۸. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، مکتبه النشر الاسلامی لجامعه المدرسین، قم، ط - الخامسة.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۶ش)، اعلام الوری بأعلام الهدی، قم، موسسه آل البيت (ع).
۲۰. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۲. العسکری، حسن بن علی، (۱۴۰۹ق)، التفسیر المنسوب الی الامام العسکری (ع)، مدرسه الامام المهدي (ع)، ط - الاولى، قم.
۲۳. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، کتاب التفسیر، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۲۴. فلسفی، محمد تقی، (۱۳۷۸ش)، جوان از نظر عقل و احساسات، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی - تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ: چهارم.
۲۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت، ط - الاولى.
۲۷. مرتضوی، سید یحیی، (۱۳۹۷ش)، جوانگرایی در مدیریت اسلامی از منظر آیات و روایات، فصلنامه مدیریت در اسلام، سال سیزدهم، بهار و تابستان، شماره ۳۶.
۲۸. واحدی، علی بن أحمد، (۱۴۱۱ق)، أسباب النزول، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲۹. واقدی، محمد بن سعد، (بی تا)، الطبقات الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۳۰. <http://www.emamzadegan.ir/articles/view-27407.aspx>